

سوالات تنش گانه

۱- چگونه دانش آموزان را به درس علاقه مند می کنید؟

آقای جلائی فر

اگر خود معلم یک چیزی از جنس نیاز خود در کار ببیند. احساس کند که من به آن نیاز دارم که یاد بگیرم که برایم خوب است و بعد با انگیزه درس را جلو ببرد و در دانش آموزان این نیاز را پیدا بکند و به آنها بگوید این درس به این درد تو می خورد، دانش آموزان خودشان بهتر به درس توجه می کنند.

آقای زرباف

ایده آل من این است که به یک نحوی یک موضوعی که موضوع بچه ها است را پیدا کنم. موضوعی که بچه ها به آن علاقه دارند دوستش دارند دلشان می خواهد آن را انجام بدهند. بعد یک جوری این را طراحی کنم که برای رسیدن به آنجایی که خود بچه ها به آن علاقه مند هستند به صورت طبیعی از چیزی که قرار است درس بدهم استفاده کنند و اینجوری خودشان می روند و درس من را یاد میگیرند.

وقتی از درون بچه حرف می زنم و حرف من را در درون خود حس می کنند ناخودآگاه خودشان با من همراهی می کنند.

آقای حسینی

من همیشه سعی ام بر این است که کلاس فضایی رفاقتی داشته باشد. فضایی که در آن ترس نباشد تحقیر نباشد. فضایی که در آن عزت بچه ها حفظ شود. این خودش بچه ها را جذب کلاس می کند. حالا کلاس می خواهد درسی باشد مهارتی باشد یا هر چیز دیگری. برای همین وقتی یک کسی به درسم علاقه ندارد سعی می کنم باهاش رفاقتم را بیشتر می کنم. و بهش می گویم که باید این درس را بگذرانند و بهتر است به جای اینکه تحملش کند آن را بپذیرد.

آقای نجفی

اول یک شرح حال از خودم می دهم چون من اعتقاد دارم که معلمی شغل نیست در درجه اول یک هنر است. و من خودم به این خاطر این درس را میدهم که یک معلم اجتماعی خوب در مدرسه داشتهم.

آقای نیکنام

برای علاقه مند کردن دانش آموزان به درس باید علاوه بر قسمت های سخت درس، با قسمت های ساده درس هم آشنا شوند. اگر فقط مسائل سخت درس را به دانش آموزان بگویم آنها از درس زده می شوند. معمولاً سعی می کنم متنوع با دانش آموزها در درس کار کنم. مثلاً بعضی قسمت ها به چالش بخورند یا ذهنشان درگیر شود. یک بخش هایی هم احساس راحتی کنند و موفقیت خود را در آن درس متوجه شوند.

جناب آقای کاشانی

با توجه به این که پیشرفت جزو خصوصیت انسان ها است و در چون علم شیرین است خود دانش آموز علاقه مند است. اما حالا من معلم باید کاری کنم که اول از درس زده نشود و دوم علاقه روز اولش به درس نه تنها کمتر نشود بلکه بیشتر هم بشود.

هر چه زمان می گذرد دانش آموزان از تهدید و اجبار کمتر نتیجه می گیرند. البته یک مقداری از آن هست زیرا این مسیر یک مسیری است که دانش آموز باید آن را برود. ولی حالا نکته این است که چه جور دل آن دانش آموز با ما باشد. ممکن از دانش آموز به درس من علاقه مند نباشد. باید همیشه علت این درسی که می خواند جلوی چشمش باشد. هرچه زمان می گذرد این دلیل برای دانش آموزها پررنگ تر می شود. معلم باید در هر جلسه مسئله ای را بگوید که آن بچه نیاز خود را به آن بفهمد. البته هر چی با تفریح و رفاه نوجوانی اش سازگار باشد بهتر است. یعنی حس کند دارد زندگی اش را می کند و فقط دارد قوانین زندگی را کشف می کند.

۲- چگونه بهتر درس خود را ارائه می دهید؟

آقای جلائی فر

تدریس من فعال باشد یعنی دانش آموزان در آن نقش داشته باشند. دانش آموزان حس کنند در جریان کلاس اهمیت دارند.

آقای زرباف

یک کلاس خوب سه رکن دارد:

۱- طراحی آموزشی: یعنی بداند در کلاس می خواهد چه گام هایی را طی کند.

۲- رسانه های پرشماره: از تخته استفاده کنی از فیلم استفاده کنی سر کلاس یک سایتی را باز کنی مهمان دعوت کنی و در کل از طریق های زیادی برای انتقال مفهومت استفاده کنی.

۳- برونداد: وقتی از بچه ها بخواهی از چیزی که آموختند خروجی بدهند تازه می فهمند چیزی که یاد گرفتند به چه دردی می خورد.

سعی می کنم از این سه تا استفاده کنم که بهتر تدریس کنم.

آقای حسینی

کلاس من هندسه است. هندسه می تواند یک نحوه تدریس گج و تخته و معلم باشد. و همچنین می تواند یک کلاس پویا و همراه با کارگروهی که بچه ها خودشان اکتشاف می کنند باشد. من در کلاس هندسه سعی می کنم بخشی از کلاس هایم را به کارگروهی اختصاص بدهم. این طور هم بچه ها نقش دانش آموز را بازی می کنند هم معلم را و در این شرایط بهتر درس را یاد می گیرند.

البته بالاخره استفاده از تکنولوژی هم می تواند کلاس را بهتر کند که البته در کلاس من زیاد کاربرد ندارد.

آقای نجفی

من به کتاب نهج البلاغه خیلی علاقه مند هستم و آن را در خانه مطالعه می کنم. خود امام علی علیه السلام جمله معروفی دارند که می فرمایند اگر کسی کلمه ای به من بیاموزد من را بنده خودش کرده است. از این جمله می شود جایگاه معلم را فهمید. اگر من به عنوان یک معلم جایگاه و منزلت یک معلم را بفهمم، می توانم بهتر درس بدهم. در ادامه یک معلم خوب باید به روز باشد. مثلاً من در مورد تاریخ، جغرافیا، جامعه شناسی و علوم سیاسی دائم کتاب می خوانم. انواع کتاب های تاریخی را با نویسندگان های مختلف می خوانم.

دومین نکته این است که یک معلم خوب باید از روش های مختلف برای تدریس استفاده کند فقط خودش سر کلاس حرف نزند. هم از روش های جدید استفاده کند هم روش های سنتی. به عنوان مثال روش نمایشی که من خودم فلات را از این روش تدریس می کنم.

آقای نیکنام

برای ارائه بهتر درسم اعتقاد دارم که خود دانش آموزها باید وارد درس بشوند. سعی می کنم کار تعاملی با دانش آموزها داشته باشم. به ارائه دانش آموزها خیلی اعتقاد دارم. سعی می کنم در ترم دوم موقعیت هایی ایجاد کنم که خود بچه ها درس بدهند. مثل کارگروهی که یک ساعت در هفته به آن اختصاص می دهم. و یا در فضای جدید مجازی می گویم بعضی از مباحث را به صورت مجازی تولید بکنند و در کلاس ارائه بدهند. وقتی خود دانش آموز در کار آموزشی نقش داشته طبیعتاً یادگیری بالا می رود.

جناب آقای کاشانی

معلم خودش باید بداند که باید درس را بهتر بدهد تا دانش آموز به درس علاقه مند شود. معلم باید ببیند دانش آموز با چه چیزی درس را بهتر یاد می گیرد. همچنین باید کلاس درس را با تفریح و آوردن وسایل محیطی، با گفتن خاطره و مثال های مربوط به درسش و علل پیدایش هر نکته مربوط به درس، جذاب کند. دانش آموزان نهایت ۱۰ دقیقه یک ربع قدرت جذب شدن دارند و بعد آن فوری باید با روش هایی که گفته شد کلاس را جذاب کرد.

۳- چگونه استرس دانش آموزان و خانواده هایشان را کم می کنید؟

آقای جلائی فر

روی استرس خانواده کار خاصی نمی کنم بهتر است بروند و به مشاور مراجعه کنند.

ولی برای استرس دانش آموز سعی می کنم فضای مدرسه را طوری آماده کنم که این استرس کاهش یابد مثلاً در امتحان ها سعی می کنیم که بار امتحان پایانی و آن امتحان کتبی را کم کنیم و به جای آنها فعالیت هایی دیگری را در طول سال بگذاریم مثل آزمونک ها، تکالیف و ... که اثر امتحان نهایی را کم می کند و با قرار دادن رشته های غیر درسی استرس را کم می کنیم.

آقای زرباف

بالاخره دنیا استرس دارد و یک مقداری از آن خوب است. اگر بدانی داری چه کار می کنی و افکار مزاحمت تو را بازی ندهند و تو از افکارت استفاده کنی و سعی کنی از لحظه حال زیاد جلوتر نروی ممکن است استرس

کم شود. کلاس سعی می کنم زیاد استرس ندهم. سعی می کنم بچه ها را به عنوان انسان بینیم یعنی ممکن است بعضی اوقات چیزی یادشان برود گاهی اوقات نیاز به استراحت دارند نیاز به تفریح دارند و سعی می کنم این تعادل را حفظ کنم.

به پدر و مادر ها معمولا می گویم شما پدر و مادری تان را بکنید و درس بچه ها را به ما بسپارید.

آقای حسینی

ما در نهم هستیم و سرکار با کنکور نداریم. و بالاخره استرس زیادی ندارد. ولی نزدیک امتحانات که می رسد همه بچه ها استرس دارند. و خانواده ها هم به آنها استرس می دهند و بچه ها فشار زیادی را تحمل می کنند. برای کاهش این استرس به بچه ها می گویم تا جایی که توان دارید تلاش تان را بکنید و بقیه اش را بسپارید به خدا. همیشه به بچه ها می گویم وقتی نشستید سر جلسه امتحان به خودتان بگویید من هر آنچه که می توانستم را انجام دادم و جایی کم نگذاشتم. خود این استرس را کم می کند.

البته روش های اجرایی هم میشود قرار داد. مثل گذاشتن کلاس رفع اشکال که بچه ها را بهتر می کند و گذاشتن کلید تکالیف هم بسیار خوب است. و همچنین مقایسه نکردن بچه ها با بقیه و مقایسه کردنشان با معدل دوره خیلی بهتر است. و وقتی همه این ها را برای خانواده ها بگوییم استرس و فشار از رویشان برداشته می شود.

آقای نجفی

من خودم با این کلمه استرس مشکل داشتم بعد از اینکه مطالعه کردم فهمیدم استرس یک مقداریش طبیعی است و باید باشد. و در واقع نباید زیاد شود. به بچه ها و خصوصا کسانی که امتحان نهایی دارم می گویم که شما درس خواندن را یک مسابقه ببینید. بچه ها را نباید امتحان زده بکنیم. امتحان به جز ارزش یابی یک نوع یادگیری هم هست. من گاهی اوقات به دانش آموزان هفتم و هشتم می گویم که کتاب ها را باز کنید و این امتحان را بدهید. بعد هم به بچه ها میگویم که این امتحان نیست بلکه یک مسابقه است. و خانواده ها هم گاهی اوقات استرس به بچه ها می دهند خصوصا مادر ها که می خواهند بچه ها نمره ۲۰ بگیرند. بعضی اوقات در جلسات به خانواده ها میگویم که انگشتان یک دست به یک اندازه نیست و بچه ها با هم فرق می کنند. همه بچه ها باهوش هستند و هر نفر در یک موضوع خوب است.

آقای نیکنام

به نظرم یک مقداری از استرس لازم است، وقتی دانش آموزان مخصوصاً در پایه های بالاتر را می خواهد سپری کند باید خود را آماده بکند برای رقبای سرسختی که در مدرسه نیستند. باید استرسی را کنترل کرد که موجب می شود دانش آموز درس را ول بکند. برای کنترل این استرس باید کاری کنیم که دانش آموز در طول ترم به درس خود بپردازد. بعضی اوقات پرسش های کلاسی باعث می شود که دانش آموز های هفته ای درس بخوانند و به جای اینکه استرس شب امتحان به سراغشان بیایند درس را در طول ترم می خوانند و به آن مسلط می شوند.

جناب آقای کاشانی

بهترین وسیله کاهش استرس این است که دانش آموز درس را در کلاس یاد بگیرد و برود خانه. اگر درس را یاد نگیرد و برود خانه پدر و مادر هم استرس می گیرند. تکلیف برای یادگیری بهتر است و با نباید روی یادگرفتن درس از طریق درس حساب کرد. باید درس را کامل در کلاس به دانش آموز یاد داد هر چقدر هم که طول بکشد.

۴- چگونه دانش آموزی که در فضای مجازی غرق شده را نجات می دهید؟

آقای جلائی فر

اول اینکه برای او دعا می کنم. و سعی می کنم سر دانش آموز را با چیز های دیگر گرم می کنم. یعنی جایگزینی برای آن قرار می دهم. و در مرحله اول خود آن نفر باید بخواهد که کمتر از فضای مجازی استفاده کند.

آقای زرباف

اگر کسی معنایی برای زندگی داشته باشد در هیچ چیزی غرق نمیشود. اگر روابط خوبی با خانواده با دوستان و با تحصیلش داشته باشد در هیچ چیزی غرق نمیشود. به هیچ چیزی معتاد نمیشود. اعتیاد یک روش غلط برای کاهش اضطراب است. که در یک سیکلی همین طور ادامه پیدا می کند و پایان ندارد.

اگر بچه ها برای خودشان ماموریتی داشته باشند و روابط خوبی داشته باشند، نه تنها در فضای مجازی بلکه در هیچ چیز دیگری غرق نمی شوند و آن را مدیریت می کنند.

آقای حسینی

من یک مثال جالب برای بچه ها می زنم. چطور ما برای تغذیه جسم هر چیزی را نمی خوریم یا هر کاری را انجام نمیدهیم، روح ما هم دقیقا این طوری است تعامل با دیگران و استفاده از فضای مجازی هم یک خوراکی برای روح ما است که طبیعتا ما باید رژیم غذایی روحمان را هم رعایت کنیم. در معرض رسانه گفتن رژیم غذایی می خواهد. اینکه آدم تمام وقتش را بدون هیچ حساب کتابی برای صرف رسانه بگذارد درست نیست. بچه ها باید یک چهارچوبی برای خودشان قرار بدهند. و ما باید به بچه ها روش استفاده را آموزش بدهیم.

اینکه یاد بگیرند چگونه و چه مقدار از رسانه استفاده کنند. البته خب تعریف یک سری فعالیت های فیزیکی به بچه ها خیلی کمک می کند.

آقای نجفی

همین کرونا باعث شد که مدارس به سمت فضای مجازی بروند. زیرا قبل از وجود نداشت. به نظر من فضای مجازی یک مکمل است که باید وجود داشته باشد. اگر از فضای مجازی درست استفاده کنیم در کارها به ما کمک می کند. ولی اگر حواسمان نباشد و از آن درست نشود کاملا تاثیر بد روی بچه ها می گذارد. در کل بچه ها باید حواسشان باشد و بدانند که فضای مجازی یک مکمل است و اگر با بی دقت از آن استفاده شود بسیار زیاد مخرب است.

آقای نیکنام

فضای مجازی اکنون خیلی فضای پیچیده ای است و به نظر من باید هر دانش آموز را نفر به نفر نجات داد. یعنی مثلا چقدر غرق شده؟ چقدر گرفتار فضای مجازی شده؟ چند ساعت در روز استفاده می کند؟ یا چه استفاده ای از فضای مجازی می کند؟ یعنی باید برای هر دانش آموز یک نوع آسیب شناسی کرد. اما اگر بخواهم به طور کلی به این سوال پاسخ بدهم من معمولا به دانش آموز می گویم سعی کن وقتی داری درس میخوانی موبایل دم دستت نباشد. یعنی وقتی میروی خانه بین فضای مجازی و درس تفکیکی قرار بده. یعنی اول سراغ یکی برو و بعد به صورت مجزا به سراغ آن برو.

جناب آقای کاشانی

این بحث فقط وظیفه معلم نیست و او باید درس خود را سر کلاس بدهد. ولی او می تواند سوار بر فضای مجازی شود. به دانش آموز ها بگوید شما بروید در مورد این موضوع در فضای مجازی تحقیق کنید و جلسه بعد بیایید و ارائه دهید. در این صورت معلم به بهترین صورت از فضای مجازی استفاده کرده. البته اگر معلم، معلم با نفوذی باشد می تواند لا به لای درس اشاره هایی هم به درس بکند. طبیعتا پدر و مادر هم نقش بسیار مهمی در کنترل استفاده فرزندشان از فضای مجازی دارند.

۵- چگونه دانش آموزان را به نماز علاقه مند می کنید؟

آقای جلائی فر

نمی دانم دقیق چجوری می شود ولی مهم این است که به زور کسی را به نماز وادار نکنیم. باید ریشه ای کار کرد. یعنی با سوالات ریشه دار مثل اینکه چرا نماز می خوانیم؟ خدا چقدر مهربونه؟ از خوبی خدا بگوییم برایشان، خود دانش آموزان ترغیب می شوند که با این خدای مهربان حرف بزنند. "صلاه" یعنی توجه. وقتی بخواهیم به خالق توجه کنیم باید نماز بخوانیم. مهم اینه که قبلش اینو بخواهیم. بخواهیم با این خدایی که انقدر نعمت و زیبایی آفریده حرف بزنیم.

آقای زرباف

بخش اصلی این است که خود معلم طعم آن را چشیده باشد. و بعد می تواند بقیه را به آن علاقه مند کند. اگر خود معلم طعم آن را نچشیده باشد بهتر است اصلا وارد آن فضا نشود. چون بخش مخرب آن بیشتر از بخش کمک کننده است. کلا خیلی طبیعی باشد. به هر حال این یک نیاز فطری است اگر کسی این اعتقاد را داشته باشد، طبیعت هر نفر خودش را به نماز دعوت می کند.

نماز مثل ریاضی و فیزیک نیست که بشود آن را آموزش داد در نهایت می شود یک بستر سازی برای آن کرد.

آقای حسینی

نیاز به تذکر رفتاری دارد. اینک من خودم در زمان بندی کارهایم نماز اول وقت را قرار دهم می تواند خیلی کارساز باشد و اطرافیان را به نماز جذب می کند. ولی البته یک جاهایی هم حرف زدن منطقی لازم است.

آقای نجفی

مبانی دینی و تربیتی اول در خانواده صورت میگیرد. مدرسه تکمیل کننده این تربیت دینی و نماز است. برای اینکه بچه ها را علاقه مند به نماز کنیم به حرف نیست. باید اول خودمان به این عمل کنیم. یعنی تا اذان میگویند برویم و وضو بگیریم. بعد دو سه ماه تاثیرش بر نماز خواندن بچه ها را کاملاً می شود دید.

آقای نیکام

به نظرم پدرم و مادر و معلمین وظیفه دارند خودشان به نماز اهمیت بدهند به نظرم همین کافی است چون دانش آموزها خیلی به پدر و مادر و معلم و فضای مدرسه نگاه می کنند. وقتی می بینند که پدر مادر برای نماز ارزش قائل هستند اذان را در خانه پخش می کنند به مسجد رفتند اهمیت می دهند آن فرزند آرام آرام به نماز علاقه مند می شود. یا در مدرسه باید به نماز اول وقت و جماعت اهمیت بدهیم.

نکته بعدی این است که دانش آموزها باید بدانند نماز را برای چه می خوانند. یعنی یک رابطه خوبی با خدا برقرار کنند و بدانند که خدا به ازای این همه نعمت که داده نماز را واجب کرده و در واقع نماز یک نوع قدردانی است تمایل بچه ها به نماز بیشتر می شود.

جناب آقای کاشانی

نماز آن گونه نیست که با یک سخنرانی توسط معلم یا پدر و مادر توسط دانش آموز اجرا شود.

وقتی دانش آموز نماز می خواند که از کودکی ببیند که پدر و مادرش نماز می خوانند. وقتی می بیند آنها نماز می خوانند می فهمد که حتما کار خوبی است پس او هم نماز می خواند. اگر از کودکی دانش آموز یک سری آدم نماز خوان و مهربان ببیند خودش در دوران بلوغ نماز را بدون اینکه کسی به او بگوید می خواند. بعد از اینکه بچه نماز خوان شد حالا نکات باقی مانده از نماز را برای او می گویند و نکته بسیار مهم این است که سعی کنیم دانش آموز از نماز زده نشود.

۶- چگونه دانش آموزی که بی ادب است و حرمت معلم را نگه نمی دارد را ادب می کنید؟

آقای جلایی فر

کلا باید با دوستی و مهربونی با دانش آموز رفتار کرد. محبت روی آدم ها تاثیر می گذارد. و با محبت هر نفر جور دیگری میشود البته نباید محبت را دیگه خیلی زیاد کرد. باید به اندازه باشد. بعضی اوقات محبت اینه که بزنی زیر گوش یک نفر یا سرش داد بزنی.

آقای زرباف

گفت و گوی صادقانه در خلوت می تواند سازنده باشد. دانش آموزها یک سری از کارهایی که انجام میدهند را نمی دانند. اگر یک دوربین گذاشت و کار هایشان را ضبط کرد تازه بعضی از کارهایشان را متوجه می شوند. باید در یک گفت و گوی دونفره آینه آنها نفر باشیم تا بفهمند که چه کارهایی انجام می دهد.

آقای حسینی

خیلی جاها به نظرم تذکر زبانی بهتر است. البته باز در کنارش رفتار من هم مهم است اگر هر بار که یک دانش آموزی که از من سنش کمتر است وارد در می شود من به احترامش بلند شود یا با جناب آقای فلانی آقای فلانی صدایش کنم این یک تاثیرگذاری خوب اخلاقی و رفتاری روی طرف مقابل می گذارد.

آقای نجفی

بعضی اوقات دلیل این رفتار بچه ها، رفتار معلم ها با آنها است. یعنی شاید جلوی بچه ها او را تحقیر کرده. باید در مرحله اول دید که چرا این دانش آموز این کار را می کند. شاید عیب از دانش آموز نباشد. معلم باید آستانه تحملش بالا باشد. به نظر من در این مسائل اشکال و ایراد از نحوه کلاس داری معلم است. اگر رابطه معلم و دانش آموز پدر و پسری باشد این مشکلات از بین می رود و دانش آموز بی ادبی نمی کند.

آقای نیکنام

در مدرسه زیاد از این دانش آموز ها من ندارم زیرا من خیلی به دانش آموز ها احترام می گذارم و اعتقاد دارم که با این احترام آنها هم به من احترام می گذارند. اما حالا اگر چند مورد محدود رخ بدهد من سعی می کنم او را از بعضی از برنامه های کلاس محروم کنم. به او می گویم وقتی تو قاعده و قوانین را رعایت نمی کنی دلیلی ندارد که من سوالت را جواب بدهم. گاهی وقتی دانش آموز ها را از بعضی از فعالیت ها منع کردم دیدم که او خیلی متذکر شده.

جناب آقای کاشانی

همیشه دانش آموز ها در برابر بزرگواری یک معلم مودب می شوند. وقتی دانش آموز یک حرکت بدی سر کلاس انجام می دهد و بقیه دانش آموز ها نمی بینند آن معلم می تواند هیچ تذکری ندهد و آن رفتار را نادیده بگیرد. ولی بعد از اینکه دانش آموز ها رفتند به او بگویند بماند و برای او توضیح دهد که این رفتار در حد تو نبود و تو خیلی مودب تر از این هستی. حتی اگر معلم آخر کلاس او را نگه ندارد باز تاثیر دارد چون او با خود می گوید عجب معلمی بود که خطای من را دید ولی هیچی نگفت. در این صورت آن دانش آموز سعی می کند دیگر آن کار بد را نکند. بزرگواری تاثیر خیلی خوبی در رفتار شاگرد دارد. تا جای ممکن نباید آبرو دانش آموز برود.

و مثل همه اوقات خود دانش آموز باید بخواهد که بی ادبی نکند. چون اگر نخواهد ممکن است که سر کلاس شما دیگر بی ادبی و بی احترامی نکند ولی سر یک کلاس دیگر که بشیند دوباره همان رفتار بد خود را تکرار می کند. باید خود دانش آموز باید حس کند که رفتارش بد است و در حد او نیست که این رفتار بد را انجام دهد.